

بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله غرب و فاجعه انسانی؛ دانه‌ها و ریشه‌های آن!

(ترجمه)

نظام سرمایه‌داری غربی و تمدن بی‌ارزش آن با سرعت به سوی مرگ و نابودی پیش می‌رود؛ چون این تمدن به دلیل بارهای سنگینی که از مفکوره‌های خشک حمل می‌کند، فرسوده شده است و مدت دو قرن از حیات بی‌هدف و بدون معنای آن می‌گذرد که سبب و مسبب به وجود آمدن آن و هدف نهایی آن معلوم نیست. این سردرگمی باعث تراکم گمراهی فکری و سرچشمه‌شده و زندگی بشر را به جهنم تبدیل کرده و نظام‌های حکومت‌داری آن به نظام‌های عذاب تبدیل گردیده است، نه به نظام زندگی.

پس این نظام ناپسند و شوم؛ بشر را از عدالت واقعی و حق و شناخت خالق‌اش دور کرده و آن‌ها را با واقعیت ظالم و باطل خود پیوند داد؛ بنابراین دستور خود را شکستاندند و قوانین را مطابق میل قانون‌گذاران خود ساختند که در نتیجه باعث هرج و مرج زندگی انسانی در روی زمین شدند و این وضع تلفات انسانی زیادی را در پی داشت و قوانین وضعی و ساختگی‌شان از همه مفسد فاسدتر واقع شد؛ حتی می‌بینیم زندگی حیوانات وحشی مهربان‌تر از زندگی انسان‌ها است.

همانا این نظام شوم بشری، انسان را از قوانین و نظام اسلامی و از سیستم جهانی منحرف نمود. بنابراین آن‌چه از این قوانین بشری بر انسان‌ها نافذ شده است، خبیث‌تر از صنایع شیطان است. قوانین و مقررات در نظام‌های بشری چیزی جز لجاجت و خستگی نیست، تنها در قوانین و سیستم‌های غربی تکالیف زیاد می‌باشد و عدالت و کارآمد در آن وجود ندارد و برخلاف شعارها و ادعاهای غربی‌ها این قوانین بشری مطابق به واقعیت انسان نیست و نه هم واقعیت انسان مطابق به آن می‌باشد.

بنابراین غرب با باورهای فلسفی و متزلزلش ادعا می‌کند که از کلیسا بی‌باور و از روی هوای نفس برای خود اله انتخاب کرده و چیزی را نپوشیده است؛ ولی به زودی کافر شد و به سمت چیزی که او را هدایت می‌کرد، نرفت؛ بلکه به سوی زوال و نابودی رفت و سپس او بر سر خود قدم گذاشت و ماده‌اشنا (طبیعت) را بت و معبود برپا کرد؛ سپس این نظام را جلا داد تا این‌که کر و کور گشتند و این نظام به عقب برگشت.

هرکس ادعای عقلانیت انسانی کند و به سمت ماده‌گرایی مدرنیته روی آورد؛ سرانجام به سوی نابودی و ساختارشکنی روی می‌آورد که ساختارشکنی باعث سلب هرگونه خصوصیت و افتخار انسانی شده و در ابعاد تام هرگونه باور و ارزش اخلاقی، آرمانی و حتی نیک‌نامی را نابود می‌کند. این همان چیزی است که «لیوتار» فیلسوف پُست‌مدرن فرانسوی آن را «فقدان ایدئولوژی‌های اصلی» نامید. این انکار فکری نه مقدسات، نه باورها، نه اختیارات و نه هم حقایق و محرّمات را می‌شناسد و این بیماری بین عام مردم بدون هیچ معنا و هدف در گردش است که مرجع اصلی آن تخریب و ساختارشکنی و موارد از این قبیل چیزها است و سیستم فلسفی سکولار مادی غربی بر جنون استوار است. فوکو فیلسوف فرانسوی، یکی از قطب‌های پُست‌مدرن که «تاریخ جنون» را نوشت، گفت: جنون وسوسه می‌کند، این دانش عقلانیت فلسفه زندگی است. فاجعه زندگی و روایت حال اصحاب فلاسفه با امانت خالص ترجمه

شده است.» آنچه فیلسوف آلمانی و پدر فلاسفه پُست‌مدرن در نهایت افسرده شد، سپس دیوانه و بعداً به بیماری الزایمر مبتلا گردید و هم‌چنان در حالت تنهایی و به دور از جامعه و در اماکن خالی از سکنه و بدون زن و فرزند زندگی می‌کرد. او شرح حال خود را در یک جمله کوتاه چنین بیان می‌دارد: «وجود من یک بارِ طاقت‌فرسایی تحمل ناپذیر است.» «فوکو» نیز یک فیلسوف پُست‌مدرن فرانسوی است که وی یک انسان بدخوی، ناسازگار و سادیست و مازوکیسم خودخواه بود و او چندین بار دست به خودکشی زد و به دلیل زندگی فاحشانه، مریضی ایدز زندگی‌اش را شتاب بخشید. «دلوز» یکی دیگر از فیلسوفان فرانسوی خود را از پنجره خانه‌اش انداخت و خودکشی کرد و التوسیر، فیلسوف مارکسیسم که همسرش را خفه می‌کند و در نهایت او را در بیمارستان روانی در بخش دیوانگان خطرناک نگهداری می‌کنند.

این‌ها کسانی هستند که در دایره‌المعارف‌های فلسفی غرب از آثار و کارکردهای علمی و فلسفی‌شان یاد شده است. پس غرب در اعلان، اطلاع‌رسانی و انتشار توهمات فلسفه‌های خود سخنوری خوب است. در مقابل، صداها و سخن‌های اساسی و مستحکم مخالف‌اش را نمی‌شنود، الا سخن‌های نرم و مصلحتی را که نتیجه‌وخیم چنین فلسفه‌های آخر به چنین حالت‌های منجر می‌شود.

این نظام شوم با ادعای آزادی بشر انسان را تخریب و از بین برد، زندگی را به وی وعده داد و بعداً باعث خودکشی او شد. وقتی که انسان از خالقش و حقیقت وجود آن و هدف زندگی‌اش روی گرداند و پشت به فطرتش نماید، چی قدر شقاوت و گمراهی است؟ در میان مفکوره‌های غرب سرگردان و با هوا و هوس و جاه‌طلبی‌های فیلسوفانه‌شان روبه‌رو می‌شود. آن‌ها ذهن او را زیر این آوار آلودگی‌های فکری دفن می‌کنند و در تاریکی افکار و تردیدهای غرق می‌شود. او با اطمینان و یقین در آن ساکن نمی‌شود و با ایمان به آن طمع نمی‌کند. او از سنگینی این آوار در زندگی‌اش اضطراب، گیچی و حواس‌پرت به باری‌آید؛ در فساد، انحطاط، ظلم و ذلت و بی‌اخلاقی خود غرق می‌شود حتا که حیوانات جنگل از چنین زندگی خود داری می‌کنند، تا این که خودکشی در این تمدن سرگردان و نظام شوم به یک گزینه نجات تبدیل شده است.

این یک واقعیت آشکار در مورد میزان خودکشی است؛ همان طوری که در یک گزارشی توسط سازمان صحتی جهان منتشر شده و تایید شده است. در این گزارش آمده است که طی 45 سال گذشته 60 فیصد خودکشی افزایش یافته است که سالانه یک میلیون خودکشی می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود که تعداد آن‌ها 50 درصد افزایش یابد و به یک‌ونیم میلیون خودکشی کننده در سال 2020 برسد. این گزارش نشان داد که بیش از نیمی از عاملان خودکشی زیر 45 سال هستند که در میان جوانان بین 15 تا 29 سال خودکشی پس از حوادث رانندگی به عنوان عامل مرگ در مقام دوم قرار دارد. در میان ارقام مربوط به این تمدن فرسوده، میزان اقدام به خودکشی تا 20 برابر منجر به مرگ شده، به این معنی که تعداد افراد که دست به خودکشی می‌زنند نزدیک به 20 میلیون نفر است.

این حقیقت؛ فاجعه رسوائی بشر رنج‌دیده است که توسط تمدن ملعون غرب که در حیرت و هذیان برداشت‌ها و باطل بودن نظام‌ها و شرایط آن و تقلید و عادت‌های جاهلیت بر سر آن آمده است. آن‌ها دو مورد هستند، سومی ندارند که زندگی بشر را کمک کند، شب و روز با زندگی انسان همزیستی می‌کند، حالت هدایت و حالت گمراهی، حالت حق و حالت باطل، حالت ایمان و حالت کفر

که در تمدن غرب و نظام شوم آن چیزی نیست، جز حالت گمراهی و باطل و کفر محض که تمدن و نظام غرب جز حالت دومی می‌باشد که گمراهی و باطل است.

وقت آن است که شما مسلمانان واقعیت عواقب خطرناک و ویرانگر صدسال از دست دادن خلافت خود را و عدم وجود اسلام خود را در رأس رهبری این جهان نسبت به خود و تمام بشریت درک کنید. وقت آن است که شما ای مسلمانان مسئولیت خود را به عهده بگیرید! این جهان اندوهگین و رنج کشیده به تمدن غرب شوم مبتلا شده است و وظیفه شماست که آن را از سردرگمی و توهم بیرون کنید و قوانین پروردگار خود را حاکم سازید. شما در بین بشریت چیزی جز حالت رهنما، هدایتگر، حق‌پذیر، ایماندار و فاتح نبودید؛ پس بدانید و الله سبحانه و تعالی به شما رحم کند که این زمین را که تمدن غرب کافر جهنم ساخته خلاص کرده و نجات دهید. آن‌هم با نافذ شدن اسلام بزرگ و خلافت راشده بر نظام باطل مادی سکولر؛ پس به این نظام ضربه بزنید چون نابود شونده است و به الله قسم که شما مسئول این امر هستید و الله بخشنده و توفیق دهنده است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

{لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ} [انفال: 8]

ترجمه: تا بدانید وسیله حق را (که اسلام است) پابرجا و باطل را (که شرک است) تباه گرداند، هرچند که بزهکاران (کافر و طغیانگر، آن را) نپسندند.

#أقيموا_الخلافة

ReturnTheKhilafah#

YenidenHilafet#

#خلافت_کو_قائم_کرو

نویسنده: مناجی محمد

مترجم: پارسا «امیدی»